



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع: فی الأذان والإقامة.

شهادت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام را تسلیت عرض می کنیم.

چهارشنبه ها بحثمان در مورد نهج البلاغه بود، چند مطلب را مقدمه عرض می کنیم؛ اول اینکه سید شرف الدین یکی از علماء بزرگ و تأثیر گذار ما بود که از نظر علم و فکر و تتبع بسیار قوی بود، ایشان کتابی دارد بنام "المراجعات" که خواندن و مراجعه به این کتاب لازم است و آیت الله العظمی بروجردی اعلی الله مقامه نیز هم خودشان این کتاب را مطالعه می کردند و هم به دیگران توصیه می کردند تا تهیه و مطالعه کنند، المراجعات مناظره غیر حضوری سید شرف الدین با یکی از علماء اهل سنت می باشد به این صورت که نامه هائی برای هم می نوشتند، سید شرف الدین تألیفات دیگری هم دارد که همگی بسیار خوب و مهم می باشند.

مطلب دیگر اینکه حضرت امیر علیه السلام در نهج البلاغه می فرمایند: «وَأَعْلَمُوا أَنْكُمْ لَنْ تَعْرِفُوا الرُّشْدَ حَتَّى تَعْرِفُوا الَّذِي تَرَكْتُمْ، وَلَنْ تَأْخُذُوا بِمِثَاقِ الْكِتَابِ حَتَّى تَعْرِفُوا الَّذِي نَقَضْتُمْ، وَلَنْ تَمَسَّكُوا بِهِ حَتَّى تَعْرِفُوا الَّذِي نَبَذْتُمْ فَالْتَمِسُوا ذَلِكَ مِنْ عِنْدِ أَهْلِهِ»^۱، و بدانید راه حق را نشناسید مگر کسانی را که آن را ترك کردند بشناسید، و پیمان قرآن را محکم نگیرید مگر به آنان که عهد کتاب را شکستند شناخت پیدا

^۱ نهج البلاغه، سید رضی، تنظیم مرحوم دشتی، خطبه ۱۴۷، ص ۱۳۶.

کنید، و متمسک به آن نشوید مگر به وضع آنان که آن را به جانی انداختند معرفت پیدا نمایید همه این واقعیات را از اهلش (که اهل بیت پیامبرند) بخواهید.

بنابراین یکی از چیزهائی که برای ما بسیار لازم است و حضرت امیر علیه السلام نیز امر به آن فرمودند این است که باید تاریخ بخوانیم و توجه داشته باشید که ثلث قران کریم همین تاریخ می باشد زیرا خداوند متعال این عالم را بر اساس سنن آفریده و اداره می کند و کسانی که با این سنن الهی موافقت کردند موفق بودند و کسانی که با سنن الهی مخالفت کردند به گمراهی رفتند و نابود شدند، پس این کلام حضرت امیر علیه السلام مانند ستاره ای می درخشد و خود قران نیز توصیه به خواندن تاریخ و قصص اقوام گذشته و سنن آنها و بعد بیان آنها برای مردم کرده است و علامه امینی اعلی الله مقامه نیز در جلد اول کتاب الغدير درباره تاریخ غدیر و کلا اهمیت تاریخ و دانستن آن بحث کرده و الان نیز در حوزه های علمیه باید افرادی که استعداد دارند مشخص شوند و تشویق و ترغیب شوند تا در مباحث تاریخی فعالیت کنند.

قبلا عرض کردیم که پیغمبر صلوات الله علیه و آله از دنیا رفتند و حضرت امیر علیه السلام با اصحاب خاص خودشان مشغول تجهیزات دفن پیغمبر بودند که عده ای مثل عمر و ابوبکر جمع شدند و به سقیفه بنی ساعده رفتند تا در مورد غصب خلافت تصمیم گیری کنند، حضرت امیر علیه السلام فرمودند من خیلی مظلوم واقع شدم چون مردم برای رفع مرافعات خودشان با دو شاهد مشکلاتشان را حل می کنند ولی در غدیر خم بیش از صد هزار نفر شاهد بودند که پیغمبر من را به عنوان جانشین خود معرفی کرد ولی کتمان کردند و جمع

شدند و خلیفه ای مشخص کردند و خلافت را غصب کردند، خلاصه در سقیفه بنی ساعده جمع شدند و کار را تمام کردند و حضرت این کلمات را در نهج البلاغه در مورد همان موضوع بیان فرمودند: «و من کلام له علیه السلام: قالوا لما انتهت إلى أمير المؤمنين عليه السلام أبناء السقيفة بعد وفاة رسول الله صلى الله عليه وآله، قال عليه السلام ما قالت الأنصار؟ قالوا قالت: منّا أمير و منکم أمير. قال علیه السلام:

فَهَلَّا احْتَجَجْتُمْ عَلَيْهِمْ بِأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَصَّى بِأَنْ يُحْسَنَ إِلَيَّ مُحْسِنِهِمْ وَ يُتَجَاوَزَ عَن مُسِيئِهِمْ؟ قَالُوا وَ مَا فِي هَذَا مِنَ الْحُجَّةِ عَلَيْهِمْ؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَوْ كَانَتْ الْإِمَامَةُ فِيهِمْ لَمْ تَكُنِ الْوَصِيَّةُ بِهِمْ. ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَمَاذَا قَالَتْ قُرَيْشٌ؟ قَالُوا احْتَجَجْتَ بِأَنَّهَا شَجَرَةُ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ احْتَجُّوا بِالشَّجَرَةِ وَ أَضَاعُوا الثَّمَرَةَ»^۲.

ترجمه: از سخنان آن حضرت است در حق انصار. گویند: وقتی پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله اخبار سقیفه به آن حضرت رسید، فرمود: انصار چه گفتند؟ عرضه داشتند: انصار گفتند: امیری از ما و امیری از شما باشد. آن حضرت فرمود: چرا به گروه انصار این گونه احتجاج نکردید که پیامبر صلی الله علیه و آله وصیت فرمود که به نیکوکار انصار نیکی شود، و از بد کارشان چشم پوشی گردد؟ به حضرت گفتند: در این وصیت چه حجتی بر انصار است؟ فرمود: اگر حکومت از آنان بود پیامبر در حقشان سفارش نمی کرد. سپس فرمود: قریش چه گفتند؟ عرضه داشتند: قریش استدلال کردند که آنان شجره رسولند

والحمد لله رب العالمين و صلى الله
على محمد و آله الطاهرين

^۲ نهج البلاغه، سید رضی، تنظیم مرحوم دشتی، خطبه ۶۷، ص ۵۱.